

## لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (اعاده شده از شورای نگهبان)

متن مصوبه (۱۳۹۲/۱۱/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۲/۱۱/۲۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۳/۰۵/۰۵)
<p><b>ماده ۳-</b> اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته‌شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا ده روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.</p> <p><b>تبصره ۱-</b> چنانچه محکوم‌علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکوم‌له آزادی وی را بدون أخذ تأمین بپذیرد یا محکوم‌علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم‌به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم‌علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند. در صورت ردّ دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه‌گذار ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم‌علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می‌شود نسبت به استیفای محکوم‌به و هزینه‌های اجرائی از محل وثیقه یا وجه‌الکفاله اقدام می‌شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است. نحوه صدور قرارهای تأمینی مزبور، مقررات اعتراض نسبت به دستور دادگاه و یا دادستان و سایر مقررات مربوط تابع قانون آیین دادرسی کیفری است.</p>	<p>۱- در ماده ۳، اطلاق حبس شدن در مواردی که بدون ادعای اعسار از سوی محکوم‌علیه، اعسار وی نزد قاضی محرز باشد، خلاف موازین شرع است. همچنین در این ماده در خصوص مرخصی که حبس برایش ضرر دارد یا محکوم‌علیه اجیر شخص یا شخصیت دیگری قبل از صدور دستور حبس از سوی قاضی بوده چون در مقررات دیگر هم حکم این قضیه نیامده است و نیز در خصوص سفر واجب که از قبل وجوب آن ثابت شده باشد و نیز سفر استعلاجی ضروری، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p> <p>تذکره ۱- در ذیل تبصره یک ماده ۳، بعد از عبارت «در این مورد دستور»، واژه «دادستان» اضافه شود.</p>	<p>در صدر ماده (۳) کمیسیون بر مصوبه قبلی خود اصرار دارد.</p> <p>در سطر ما قبل آخر تبصره (۱) ماده (۳) عبارت «دادگاه و یا» حذف و بعد از عبارت «مقررات مربوط» عبارت «به این دستورها» اضافه شد.</p>
<p><b>ماده ۵-</b> قوه قضائیه مکلف است افرادی را که به استناد ماده (۳) این قانون حبس می‌شوند جدای از محکومان کیفری و در مراکز با عنوان «مرکز نگهداری محکومان مالی» که برای این منظور ایجاد می‌کند، نگهداری و با همکاری دولت (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا را برای محبوسین متقاضی کار فراهم کند. شیوه نگهداری، به‌کارگیری، پرداخت و هزینه‌کرد اجرت این اشخاص مطابق آیین‌نامه‌ای است که به وسیله سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و ظرف سه‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.</p>	<p>۲- صدرماده ۵ در خصوص ایجاد «مرکز نگهداری محکومان مالی»، از آنجا که در لایحه دولت نبوده و مستلزم افزایش هزینه عمومی است و طریق جبران آن نیز معلوم نشده است، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>از سطر دوم و سوم ماده (۵) عبارت «و در مراکز با عنوان مرکز نگهداری محکومان مالی که برای این منظور ایجاد می‌کند» حذف شد.</p>
<p><b>ماده ۷-</b> مدعی اعسار باید اعسار خود را ثابت نماید مگر اینکه در ازای دین، مالی دریافت یا تحصیل نکرده باشد که در این صورت هرگاه خواننده دعوی اعسار نتواند ملائت مدیون را ثابت کند، ادعای اعسار با ادای سوگند به وسیله مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.</p> <p><b>تبصره-</b> در مواردی که اثبات اعسار برعهده مدیون نیست نیز هرگاه طلبکار ملائت سابق او را ثابت کند حدود اعسار (اعسار فعلی او) برعهده مدیون خواهد بود.</p>	<p>۳- اطلاق صدر ماده ۷، از جهت شمول نسبت به فرضی که مدعی اعسار مالی را دریافت نموده و آن را هزینه نموده است و حالت سابقه وضعیت مالی وی عسر می‌باشد خلاف موازین شرع شناخته شد.</p> <p>۴- اطلاق قبول ادعای اعسار در ذیل ماده ۷،</p>	<p>ماده (۷) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف شد:</p> <p>ماده ۷- در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد اثبات اعسار برعهده اوست مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است در این صورت</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۳/۰۵/۰۵)	نظر شورا (۱۳۹۲/۱۱/۲۴)	متن مصوبه (۱۳۹۲/۱۱/۰۶)
<p>و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد هرگاه خواننده دعوی اعسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.</p>	<p>(مستثنی) از جهت شمول نسبت به فرضی که حالت سابقه وضعیت مالی شخص مدعی اعسار، یسر باشد خلاف موازین شرع شناخته شد.</p> <p>تذکره ۲- در تبصره ماده ۷، قبل از عبارت «حدوث اعسار»، واژه «اثبات» اضافه شود.</p>	
<p>در سطر دهم ماده (۸) عبارت «که با او حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند» حذف و عبارت «به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند» جایگزین شد.</p> <p>در سطر دوم و سوم ماده (۹) عبارت «حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضعیت معیشت او آگاه است» حذف و عبارت «به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته» جایگزین شد.</p>	<p>۵- در مواد ۸ و ۹، مقید نمودن باینکه شاهدان حداقل یک سال با مدعی اعسار معاشرت داشته باشند، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۸- مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود شامل تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به‌طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که وی به هر عنوان نزد بانکها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور و نیز کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک‌سال قبل از طرح دعوای اعسار به بعد را ضمیمه دادخواست اعسار خود کند. در مواردی که بار اثبات اعسار بر عهده مدیون است و نیز در مواردی که سابقه ملائت او اثبات شده باشد هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند باید شهادت‌نامه کتبی حداقل دو شاهد را که با او حداقل یک‌سال معاشرت داشته و از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید. شهادت‌نامه مذکور باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد.</p> <p>ماده ۹- شاهد باید علاوه بر هویت، شغل، میزان درآمد و نحوه قانونی امرار معاش مدعی اعسار، به این امر تصریح کند که با مدیون حداقل یک‌سال معاشرت داشته و از وضعیت معیشت او آگاه است و او افزون بر مستثنیات دین هیچ مال قابل دسترسی ندارد که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد.</p>
<p>در سطر اول ماده (۱۱) عبارت «پذیرش ادعای» حذف و کلمه «ثبوت» جایگزین شد.</p>	<p>تذکره ۳- در ماده ۱۱، عبارت «پذیرش ادعای اعسار» به عبارت «ثبوت اعسار» اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۱۱- در صورت پذیرش ادعای اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می‌دهد یا حکم تقسیط بدهی را صادر می‌کند. در تعیین اقساط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد.</p> <p>تبصره ۱- ...</p>
<p>ماده (۱۲) ضمن حذف بند (۱) به شرح زیر اصلاح شد:</p> <p>ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار رد شود، دادگاه در ضمن حکم به رد دعوا، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی محکوم می‌کند.</p>	<p>۶- اطلاق بند یک ماده ۱۲، در مواردی که درخواست وکالت معاضدتی به صورت مجانی باشد، اشکال شرعی دارد.</p>	<p>ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار رد شود، دادگاه در ضمن حکم به رد دعوا، مدعی اعسار را به پرداخت وجوه زیر محکوم می‌کند:</p> <p>۱- حق الوکاله وکیل معاضدتی در صورت استفاده از وکیل معاضدتی در حق دولت</p> <p>۲- خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۳/۰۵/۰۵)	نظر شورا (۱۳۹۲/۱۱/۲۴)	متن مصوبه (۱۳۹۲/۱۱/۰۶)
<p>در ماده (۱۵) عبارت «مطابق مقررات قانون تجارت» حذف شد و متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۱۵) الحاق و شماره تبصره قبلی به (۱) تغییر یافت.</p> <p>تبصره ۲- دولت، شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی و عام‌المنفعه نمی‌توانند درخواست اعسار و ورشکستگی نمایند.</p>	<p>۷- نظر باینکه در ماده ۱۵ و تبصره آن به قانون تجارت ارجاع داده شده است واز آنجا که بعضی از مواد قانون مزبور بر خلاف موازین شرع می‌باشد، مواد مورد استناد مشخص تا اظهار نظر گردد.</p> <p>تذکره ۴- در ماده ۱۵، در مورد دولت و شهرداری‌ها که مقررات خاص دارند، تکلیف روشن نشد.</p>	<p>ماده ۱۵- دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید مطابق مقررات قانون تجارت رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.</p> <p>تبصره- اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار ردّ دادخواست وی را صادر می‌کند.</p>
<p>در سطر دوم ماده (۱۷) عبارت «که با ارتکاب تقصیر موجب اعسار خود شده است» حذف و عبارت «که با هدف فرار از پرداخت دین مرتکب تقصیر شده است تا موجب اعسار وی گردد با توجه به میزان بدهی، نوع تقصیر، تعدد و تکرار آن» جایگزین شد.</p>	<p>تذکره ۵- در ماده ۱۷، ظاهراً مقصود این است که برای فرار از پرداخت، مرتکب تقصیر شده که موجب اعسار وی گردیده است. همچنین ظاهراً منظور از اعمال میزان مجازات و این محرومیت‌ها با توجه به میزان بدهی، نوع عمل، تعدد و تکرار عمل و ... می‌باشد.</p>	<p>ماده ۱۷- دادگاه رسیدگی‌کننده به اعسار ضمن صدور حکم اعسار، شخصی را که با ارتکاب تقصیر، موجب اعسار خود شده است، به مدت شش ماه تا دو سال به یک یا چند مورد از محرومیت‌های زیر محکوم می‌کند:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱- ممنوعیت خروج از کشور</li> <li>۲- ممنوعیت تأسیس شرکت تجاری</li> <li>۳- ممنوعیت عضویت در هیأت‌مدیره شرکتهای تجاری</li> <li>۴- ممنوعیت تصدی مدیر عاملی در شرکتهای تجاری</li> <li>۵- ممنوعیت دریافت اعتبار و هرگونه تسهیلات به هر عنوان از بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری عمومی و دولتی به‌جز وامهای ضروری</li> <li>۶- ممنوعیت دریافت دسته چک</li> </ol>
<p>در انتهای ماده (۲۱) عبارت «به عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء خواهد شد» جایگزین عبارت «بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد» گردید.</p>	<p>۸- در ماده ۲۱، روشن نیست که منظور بطلان معامله است یا این اقدام به عنوان جریمه می‌باشد، اگر به صورت ماده ۳ سابق، اصلاح شود ایراد مرتفع می‌گردد.</p>	<p>ماده ۲۱- انتقال مال به دیگری به هر نحو به‌وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود و در صورتی که متقلّ‌آیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال‌گیرنده بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد.</p>
<p>ماده (۲۲) حذف شد.</p>	<p>۹- اطلاق ماده ۲۲ هم در خصوص دین و هم در مورد تعهدات اشکال دارد.</p>	<p>ماده ۲۲- در هر مورد که شخصی متعهد به ایفای دینی است در صورت درخواست محکوم‌له باید متفرعات طلب را نیز مطابق قانون ایفاء کند. متفرعات طلب شامل خسارت تأخیر در انجام تعهد و خسارت دادرسی است. در تعهدات پولی خسارت ناشی از کاهش ارزش پول نیز در ردیف متفرعات طلب بر اساس تغییر شاخص سالانه اعلام شده به وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از زمان مطالبه دین اصلی تا هنگام تأدیه آن تعیین می‌شود و در صورت مطالبه دین اصلی و امتناع مدیون از پرداخت، قابل مطالبه است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۳/۰۵/۰۵)	نظر شورا (۱۳۹۲/۱۱/۲۴)	متن مصوبه (۱۳۹۲/۱۱/۰۶)
<p>ماده (۲۴) به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق شد:</p> <p>ماده ۲۴_ مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع‌الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا پذیرفته‌شدن ادعای اعسار محکوم‌علیه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تأمین مناسب به قوت خود باقی است.</p> <p>تبصره_ درخصوص سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد و سفرهای درمانی ضروری، دادگاه موقتاً به محکوم‌علیه اجازه خروج از کشور را می‌دهد.</p>	<p>۱۰_ اطلاق ماده ۲۴ در خصوص سفر واجب که از قبل وجوب آن ثابت شده باشد و نیز سفر استعلاجی ضروری، خلاف موازین شرع شناخته شد. در خصوص تأمین نیز چنانچه کفالت مطابق موازین شرع هم محقق باشد، اشکال دارد.</p> <p>تذکره ۶_ در ماده ۲۴، عبارت «پذیرفته شدن ادعای اعسار» به عبارت «ثبوت اعسار» اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۲۴_ مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع‌الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا پذیرفته‌شدن ادعای اعسار محکوم‌علیه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تأمین مناسب به قوت خود باقی است.</p>
<p>ماده (۲۵) حذف شد.</p>	<p>۱۱_ در ماده ۲۵، اطلاعات مذکور باید با حکم دادگاه و با رعایت موازین شرعی و آن هم در اختیار ذینفع قرار داده شود و الا اشکال دارد. همچنین ایجاد سامانه الکترونیکی باین منظور، از آنجا که در لایحه دولت نبوده و مستلزم افزایش هزینه‌های عمومی است و طریق جبران آن نیز معلوم نشده است، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۵_ قوه قضائیه مکلف است هویت کلیه محکومان مالی که به موجب حکم قطعی محکوم به دادن هر نوع مالی به دیگری می‌شوند را به همراه میزان محکومیت، در سامانه الکترونیکی که به این منظور ایجاد می‌کند، بلافاصله درج نماید. این اطلاعات به تشخیص و دستور دادستان در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد.</p>
<p>در بند (ز) ماده (۲۶) عبارت «به عنوان قرض» حذف و متن زیر به انتهای آن اضافه شد: «و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.»</p>	<p>۱۲_ اطلاق بند (ز) ماده ۲۶، نسبت به عین مستأجره که مورد نیاز شخص با فرض اعسار وی نبوده و بالاتر از شأن شخص می‌باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۶_ مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:</p> <p>الف_ منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم‌علیه در حالت اعسار او باشد.</p> <p>ب_ اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.</p> <p>ج_ آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.</p> <p>د_ کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها</p> <p>هـ_ وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است.</p> <p>و_ تلفن مورد نیاز مدیون</p> <p>ز_ مبلغی که در ضمن عقد اجاره به عنوان قرض به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر این‌که پرداخت اجاره‌بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۳/۰۵/۰۵)	نظر شورا (۱۳۹۲/۱۱/۲۴)	متن مصوبه (۱۳۹۲/۱۱/۰۶)
<p>تبصره (۱) ماده (۲۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>تبصره ۱- چنانچه منزل مسکونی محکوم‌علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد و مشارالیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع اجراءکننده رأی نباشد به تقاضای محکوم‌له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم‌علیه خواهد شد مگر اینکه استیفای محکوم‌به به طریق سهل‌تری مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم‌علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان‌پذیر باشد که در این صورت محکوم‌به از طرق مذکور استیفاء خواهد شد.</p> <p>در سطر سوم تبصره (۲) ماده (۲۶) عبارت «وصول محکوم‌به از آن امکان‌پذیر است» جایگزین عبارت «عوض گرفته شده قابل توقیف نخواهد بود» گردید و در انتها کلمه «ندارد» به کلمه «دارد» تغییر یافت.</p>	<p>۱۳- در تبصره یک ماده ۲۶، اطلاق فروش توسط مرجع اجراء کننده در موردی که محکوم‌علیه شخصاً حاضر به فروش بوده است، خلاف موازین شرع شناخته شد. همچنین چنانچه اجرای حکم بدون فروش هم به نحو الأھون فالأھون و یا مشارکت محکوم‌له با محکوم‌علیه ممکن باشد باید به این نحو عمل شود.</p> <p>تذکره ۷- در تبصره ۲ ماده ۲۶، عبارت «قابل توقیف نخواهد بود» اشکال عبارتی دارد.</p>	<p>تبصره ۱- چنانچه منزل مسکونی محکوم علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد، به تقاضای محکوم‌له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل متناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم‌علیه خواهد شد.</p> <p>تبصره ۲- چنانچه به حکم قانون مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرحهای عمرانی تبدیلی به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، عوض گرفته شده قابل توقیف نخواهد بود، مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را ندارد.</p>
<p>در انتهای ماده (۲۷) عبارت «خارج از شمول مستثنیات دین است» حذف و عبارت «به عنوان جریمه أخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء و مابقی به وی مسترد خواهد شد» جایگزین گردید.</p>	<p>۱۴- ماده ۲۷، از جهت شمول نسبت به موردی که تبدیل به یکی از مستثنیات دین شده است، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۷- چنانچه منشأ دین، قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و محکوم علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد، هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد خارج از شمول مستثنیات دین است.</p>
<p>ماده (۲۸) حذف شد.</p>	<p>۱۵- ماده ۲۸، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p> <p>تذکره ۸- در سطر دوم ماده ۲۸، عبارت «وی و افراد تحت تکفلش» به عبارت «وی یا افراد تحت تکفلش» اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۲۸- چنانچه محکوم‌له در نتیجه عدم امکان وصول مطالبات خود از محکوم‌علیه دچار عسر و حرج شود، به نحوی که معاش عادی زندگی وی و افراد تحت تکفلش مختل گردد، می‌تواند دادخواست خود را برای وصول محکوم‌به از منزل مسکونی محکوم‌علیه به انضمام دلایل آن به دادگاه صادرکننده اجرائیه ارائه کند. چنانچه به تشخیص دادگاه عسر و حرج طلبکار صرفاً با فروش منزل مسکونی محکوم‌علیه قابل رفع باشد، مهلتی که از سه ماه کمتر نباشد برای جلب رضایت محکوم‌له به محکوم‌علیه داده می‌شود. پس از انقضای مهلت در صورت عدم پرداخت محکوم‌به، حکم به فروش منزل مسکونی با رعایت تشریفات مقرر قانونی داده می‌شود. تا سقف یک‌دوم ثمن حاصل از فروش صرف تأدیه طلب محکوم‌له می‌شود و مابقی به محکوم‌علیه پرداخت می‌گردد.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۳/۰۵/۰۵)	نظر شورا (۱۳۹۲/۱۱/۲۴)	متن مصوبه (۱۳۹۲/۱۱/۰۶)
<p>ماده (۲۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۲۹_ احکام مندرج در این قانون جز احکام راجع به حبس محکوم‌علیه، اعسار و مستثنیات دین حسب مورد در مواردی که محکوم‌علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است.</p>	<p>۱۶_ در ماده ۲۹، چون بعضی از مواردی که در این مواد آمده نسبت به اشخاص حقوقی به نحوی که برای اشخاص حقیقی قابل اعمال است نمی‌شود اعمال نمود، باید این ماده به شکل صحیح تدوین گردد، و الا اشکال دارد.</p>	<p>ماده ۲۹_ مقررات مواد (۱)، (۲) و (۱۹) تا (۲۵) این قانون در مورد اشخاص حقوقی نیز مجری است.</p>
<p>از انتهای ماده (۳۲) عبارت «و ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ به قوت خود باقی است» حذف شد.</p>	<p>۱۷_ در ماده ۳۲، با توجه به نسخ قانون اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ با ابقای ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده که به ماده ۲ قانون مذکور ارجاع داده صحیح نمی‌باشد، بنابراین باید به این نکته توجه شود.</p>	<p>ماده ۳۲_ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ و قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ و ماده (۵۲۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسخ می‌شود و ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ به قوت خود باقی است.</p>

اداره قوانین \_ ۱۳۹۳/۰۵/۰۵